■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۷۳۷۷ ■ پنجشنبه ■ ۵ تیر ۱۳۹۹

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۰۷ | اذان مغرب ۲۰/۴۵ | نیمه شب شرعی ۰۰/۱۴ | اذان صبح فردا ۴/۰۴ | طلوع آفتاب فردا ۵/۵۰

سخن روز

امام علی علیه‌السلام:
دروغگو امانتدار نیست و بدکار، نگهدارنده اسرار.
تصنیف غررالحکم و دررالکلم ص۲۲۰، ح۴۳۸۷

حمیدرضا نوربخش: پهنه رودکی فضایی برای اجرای تئاتر و موسیقی خیابانی

افتتاح پهنه رودکی اتفاقی خجسته است. طرح این پهنه از مدت‌ها پیش مطرح بود و یکی از مطالبات جدی بشمار می‌رفت. امیدوار هستیم که افتتاح این پهنه، فتح بابی برای اجرای برنامه‌های فضای باز و خیابانی باشد. فکر می‌کنم این منطقه می‌تواند فضای منحصربفردی باشد که در آنجا کنسرت‌های بزرگ وتئاترهای خیابانی برگزار شود. در بخش تجسمی هم می‌شود نمایشگاه‌های مختلفی را در این منطقه برگزار کرد. به هر حال امروز یک فضای جدیدی به مجموعه‌های هنری شهرمان افزوده شده که جای تبریک دارد.

بخشی از گفت و گوی مدیرعامل خانه موسیقی ایران با هنرآنلاین

نـــگاره
سهیل محمدی

خطرات سیگار برای نوجوانان

درباره برنامه عصر جدید

کشف استعداد یا جعل استعداد!

یادداشت

رضا صائمی
روزنامه نگار و منتقد

اگر سویه سرگرم کنندگی برنامه عصر جدید را معیار قراردهیم بهتر می‌توان ماهیت و کارکرد آن را تبیین و تحلیل کرد. از این حیث عصر جدید قابلیت سرگرمی مخاطب را دارد ومی تواند با تکیه بر نمایش مهارت‌های شرکت کنندگانش در حوزه‌های مختلف وسویه رقابتی آن، هیجان و نشاطی نسبی را برای تماشاگر خود فراهم کند. اما اینکه رویکرد برنامه کشف استعدادهاست قابل نقد بوده ونیاز به سنجش و چکش کاری دارد. اولاً که بسیاری از توانمندی‌هایی که شرکت‌کنندگان در این برنامه ارائه می دهند یک مهارت آموخته شده وتمرین شده است نه استعدادی ویژه در زمینه خاصی. حتی خود آنها هم بیشتر با انگیزه دیده شدن به برنامه آمده‌اند نه لزوماً کشف شدن! در سال‌های اخیر بواسطه گسترش فضاهای مجازی و شبکه‌های اجتماعی میل به نمایش و بازنمایی خود به شکل افراطی و گاه بیمارگونه درجامعه افزایش یافته وشاهد انفجار فردیت‌های سرکوب شده وانکارشده‌ای هستیم که اصرار بر جلوه گری و نمایش خود دارند و گویی میل سرخورده شده در نظام اجتماعی حالا بواسطه امکان تصویری و نمایشی رسانه‌های نوین در حال جبران این شکست در نمایش توانایی‌ها و موفقیت‌های خود است اما اغلب دچار موفقیت نمایشی شده و برای اثبات خود دست و پا می‌زنند. این البته ظرفیت و بهانه خوبی برای عصرجدید است تا خوراک خود را تأمین کند واز این میل انفجاری به نمایش خود برای شکل دادن به مسابقه وجذب مخاطب انبوه بهره ببرد. اینکه هر برنامه‌ای می کوشد تا رضایت مخاطبان خود را جلب کند و آمار بینندگان خود را بالا ببرد نه تنها بد نیست که یک امر طبیعی و ضروری است اما اصرار بر کشف استعداد درپس آن جای نقد دارد. مسأله این است که بسیاری از معیارها شاخص‌های حاکم بر داوری‌ها در تعریف استعداد غلط است. از جمله در نمایش‌های کودکان شرکت کننده. نمایشی بودن و تقلیل بازیگری به خودنمایی‌های تصنعی و سانتی مانتال در عصر جدید، لوس و لوث کردن هنر نمایش است برای جذب مخاطب نه تعریف درست نمایش. درواقع در اینجا هنر بازیگری به سلیقه‌های ذوقی و شخصی داوران تقلیل یافته و حتی داوری که تخصصش موسیقی است نه بازیگری در یک واکنش هیجانی زنگ طلایی هم می‌دهد. اگرچره بودن و اغراق‌های نابازیگرانه در یک سانتی مانتالیسم پوپولیستی به مورد شگفت انگیز استعداد بازیگری تعبیر می‌شود و امتیاز طلایی می‌گیرد. این نه کشف استعداد که جعل استعداد است. خیلی از هنرنمایی‌های شرکت‌کنندگان دراین برنامه شبیه به شیرین کاری‌هایی است که مثلاً در برنامه مسابقه محله شاهد بودیم نه استعداد و توانمندی ویژه. آنچه که نیازمند بازنگری در برنامه عصر جدید است، تعریف دقیق و علمی استعداد است تا به جای جعل به کشف آن بتوان دست زد. استعدادنمایی بیش از هر چیز به شرکت‌کنندگان برنامه ضربه می‌زند و آنها را دچار خطاهای شناختی درباره خود می‌کند که تأثیرات مخربش را بعد از برنامه و در زندگی شاهد خواهند بود.

#کلیپ_روز_دختر

هشتگ

روز سه‌شنبه و به مناسبت روز دختر کلیپی منتشر شد که حاشیه‌های زیادی همراه داشت. در این کلیپ یک دختر کوچک از نگاه برادر کوچکش به تصویر کشیده می‌شد و بعد از اینکه گفته می‌شد دخترها لوس و نورچشمی خانواده هستند وبدترین تصمیم‌ها رو می‌گیرن پسر بازیگر کلیپ می‌گفت ولی وجودشون در خانه لازم است. جملاتی از این کلیپ که گویا از تلویزیون هم پخش شده والبته تیترش یعنی «چون اونا دخترن» با انتقاد بسیاری از کاربران مواجه شد: «حالم از تمام دست‌اندکاران وعواملی که اون کلیپ مزخرف روز دختر رو درست کردند بهم خورد»، «پیام کلیپ: دختر یه موجود لوس، بیمزه از خود راضیه که حق ما پسرا رو ضایع می‌کنه، ما با بزرگواری تحملش می‌کنیم، تازه روزهم براش تعیین کردیم.»، «افتضاح‌تر از این نداریم! وای به هر دوی دخترا و پسرای سرزمینمون چقدر بدِ خواهر داشته باشی، هم اذیتت می‌کنه هم شما بیشتر از من دوسش دارین»، «اول گند می‌زنه به تربیت هرچی دختره آخرشم می‌گه درسته دخترن ولی حضورشون تو هر خونه‌ای لازمه. حتی تو کلیپ روز دختر اومدن پسر رو برتر دونستن و دختر باید حضور داشته باشه چون لازمن، در حد قابلمه و ماهی تابه»، «خبرگزاری تسنیم کاش لطف کنید و دیگه واسه روز دختر کلیپ نسازید! این چه نگاه جنسیت زده و عاری از منطق و... هست که ارائه دادین؟»، «شاید شما فکر کنید این تبلیغ چقدر چرک و احمقانه و ضدزن است. شاید شما هم مثل صدها و هزاران به آن حمله کنید. اما احتمالاً شما هم نمی‌دانید که سازندگان همین حمله‌ها و توهین‌های ما را به حساب موفقیت‌شان می‌گذارند. با این تعبیر که: دمتون گرم بچه‌ها. کار خیلی دیده شد!»، «نوع نگرش را هرچقدر مخفی کنی، با تکنولوژی روز کادو پیچ کنی، با دوربین و نورپردازی خوب مزینش کنی، از بچه‌های معصوم در بیان نگرش استفاده کنی، باز هم مخفی نمی‌شود شیک و امروزی نمی‌شود. حتی اگر نامش را روز کرامت دختر بگذاری. باز واقعیت ذهنیت بیرون می‌زند و همه می‌فهمند دختران را چطور می‌بینی»، «می گه: «فقط اونا می‌تونن تو لحظات حساس بدترین تصمیم روبگیرن و هیچی هم نمی‌شه به‌شون گفت؛ چون اونا دخترن!» آخه تعطیل! وای وای آدم می‌مونه چی بگه»، «سطحی‌ترین نگاه ممکن. نگاه جنسیت زده‌ای که می‌گه من مردم می‌فهمم و اون زنه نمی‌فهمه یا کمتر از من می‌فهمه».

با این خزعبلات!»، «کاش یه ویدئو هم برای وقتی که این دوتابچه بزرگ شدن می‌ساختین اون وقت می‌دیدیم جامعه و خانواده با کدوم یکی مهربون‌تر و با کدوم بی‌رحم تره. کدوم یکی آزاد تره و کدوم یکی از ساده‌ترین حقوقش محرومه»، «در پیام طنز دخترا رو احمق ولوس ونادان ولجباز نشون داد. می شد مهربونی یه دختر رو در قبال خانواده‌اش نشون داد. می شد مسئولیت‌پذیری یه دختر رو نسبت به خانواده‌اش نشون داد. می شد مدیریت یه دختر رو توی خانه نشون داد، بعدم بگه وجودشون لازمه.»، «پسرم این کلیپ رو که تو کانال پویا صداو سیما دید گف

شهروند مجازی
یگانه خدامی

واکسن نزنید

ماجرا

همسر بنیامین بهادری خواننده پاپ با انتشار کلیپی در اینستاگرام گفته واکسیناسیون مضر است و از مردم خواسته درباره مواد تشکیل دهنده واکسن‌ها تحقیق کنند. در حالی که دنیا به‌دنبال ساخت واکسن کروناست انتشار این کلیپ از سوی شایلی محمودی انتقادهای زیادی همراه داشت. اظهارنظر بدون تخصص لازم و کافی و توجه بیش از حد به سلبریتی‌ها مسأله‌ای بود که در بسیاری از این انتقادها به آن اشاره شده بود: «همسر بنیامین بهادری(خواننده) هستند که کلی تحقیق کردند و به این نتیجه رسیدند که واکسیناسیون برای بدن مضر است! ادعاهای اینچنینی از طرف این آدم ها همیشه طرفداران خاص خودشون رو داره، از انجمن معتقدان به زمین تخت بگیر بیا تا آدم‌هایی که با داستان‌های سریالی مجله خانواده و جوان امروز بزرگ شدند!»، «شایلی محمودی همسر بنیامین بهادری مدعی است که واکسن برای کودکان مضر و از مردم می‌خواهد که درباره آن تحقیق کنند.با توجه به آنالیز بنده از مواد آرایشی استفاده شده. آیا او محقق پزشکی است؟ اگر نیست این ادعا از کجا نشأت می‌گیرد؟ قبل از استفاده از مواد آرایشی یک به یک تحقیق کرده است؟»، «زن بنیامین چرا باید از خودش نظریه صادر کنه که ملت بچه هاتونو نبرید واکسن بزنید چون به نظر من تو خیلی از واکسن‌ها چیزهایی هست که خطرناکه، به همین راحتی؟ به نظرت فقط؟»، «بعداز تبلیغ ادرار شتر چشممون به جمال همسرجناب آقای بنیامین(خواننده)روشن شد. ایشون با تحقیقاتشون متوجه شدن نباید به بچه‌ها واکسن بزنیم چون خطرناکه و هدف هایی پشت این کاره و برای بیش از ۳۰۰هزار فالور این کلیپ رو گذاشتن»، «الان دنیا منتظرواکسن کروناست این چی می‌گه؟»، «یاد بگیرید پای خود را در هر کفشی نکنید. تو دکتری؟ پرستاری؟ شیمیدانی؟ داروسازی؟ لامصب آخه اصلاً چرا تو باید تشخیص بدی که تو واکسن چی باید باشه چه نباید باشه؟ اعتماد به نفس تا کجا؟»، «نمی‌شه یه نفر شایلی رو Sue کنه بابت اون نظرش در مورد واکسن؟»، « میگه برید هیستوری و خانواده شرکت‌های تولید واکسن رو ببینید. این همه آدم سال‌ها زحمت کشیدن برا انواع و اقسام بیماری‌های خطرناک واکسن درست کردن که همسر آقای بنیامین بهادری بیاد بگه این واکسنا ممکنه خطرناک باشه حتماً تحقیق کنید راجع بهش! خانم شایلی! چند درصد از مخاطبین شما سواد علمی و توانایی انجام تحقیق جامع از منابع معتبر رو دارن؟».

انتخابگر باشید (بخش چهارم)

هنر و روان

آرام مرتضوی
پژوهشگر و روان‌درمانگر تحلیلی

از درک هنر سخن گفتیم و اثری که تجربه دنیای طبیعی بر سیستم روان‌شناختی انسان می‌گذارد حرف زدیم، اکنون می‌خواهم کمی راجع به سلیقه در هنر برایتان بگویم و اینکه چگونه می‌توانیم به مرور زمان درک خود را از هنر ارتقا ببخشیم تا انواع سبک‌های هنری بتواند ما را سرحال بیاورد و موجبات حال خوب را فراهم آورد. به طور کلی سیستم روان‌شناختی انسان از نظامی پیروی می‌کند که به آن نظام عادت می‌گویند جالب است بدانید عادات در مغز انسان بر اثر تکرار پدید می‌آیند تثبیت می‌گردند. آیا تا به حال این موضوع را تجربه کرده‌اید که هنگام رانندگی یا قدم زدن ملودی یکی از تبلیغات تلویزیونی را با خود زمزمه کنید، یا این جمله را گفته‌اید که فلان نقطه مثلاً کوه حال مرا خوب می‌کند (من هر وقت به کوه می‌روم حالم خوب می‌شود). نظام مغزی ما نظام پاداش و معتاد شدن به پاداش‌هاست. منظور از پاداش ترشح هورمون‌های شادی‌آور است که قبلاً راجع به آن صحبت کرده‌ایم. وقتی سیستم مغزی به تصاویر صداها یا به‌صورت کلی به نشانه‌هایی که موجب ترشح هورمون‌های شادی‌آور می‌شود عادت می‌کند ما اصطلاحاً به آن سلیقه می‌گوییم. به‌خاطر دارم اوایلی که با موسیقی کلاسیک آشنا شدم به هیچ عنوان نمی‌توانستم با این سبک موسیقی ارتباط برقرار کنم اما پس از آشنایی با تئوری موسیقی کلاسیک و فلسفه آن و یادگیری آهنگسازی به شیوه کلاسیک آرام آرام آثار موسیقی‌دانان کلاسیک وارد حیطه شنیداری‌ام شد و بعد رفته‌رفته گسترش یافت تا جایی که به‌صورت روزمره فقط موسیقی کلاسیک گوش می‌دادم. این اتفاق می‌تواند در رابطه با فیلم، تئاتر سبک مطالعه ولذت بردن از نقاشی و.... صورت پذیرد. موضوع بسیار با اهمیت این است که شما بتوانید بستر فرهنگی را که در آن قدم بر می‌دارید انتخاب کنید. (انتخابگر باشید) ولی انتخابگر بودن به چه معنی است؟ شما زمانی انتخابگر هستید که هر فیلمی نبینید، به هر موسیقی گوش ندهید، به هر تصویری نگاه نکنید. شما می‌توانید گالری‌های هنری را انتخاب کنید و به تماشای آثار خاص هنری بپردازید و حتی ذهن خود را به چالش بکشید، یعنی هر چند وقت یک‌بار جنس و نوع آثار نقاشی و هنرهای بصری را که به تماشا می‌نشنید تغییر دهید تا مغز شما برای پذیرش سبک‌های جدید آب دیده شود و تکاپو را تجربه کند، موسیقی‌هایی را که تاکنون گوش نداده‌اید بشنوید، فیلم‌هایی را که نمی‌دیدید ببینید، سبک سفرهای‌تان را تغییر دهید، آثار مختلف هنری را به تماشا بنشینید. این گشودگی به تجربه باعث می‌شود که گستره تأثیرپذیری مغز شما افزایش یابد و نیز کارکردهای هیجانی آن؛ به‌خاطر داشته باشید که قرار است در این مسیر اثر هنر بر روان شما عمیق‌تر و جدی‌تر باشد. از مبحث اصلی دور نشویم: انتخابگر باشید، امروزه کنترل سیستم روانی انسان به‌طور قطع دست رسانه است و این رسانه‌ها هستند که تعیین می‌کنند از چه چیز لذت ببرید، اما زمان نشان داده که اثر هنری خوب در جوامع بشری جاودان می‌ماند. به اطراف خود نگاه کنید و تلاش کنید جاودانه‌های هنری را پیدا کنید، به تفصیل در این باره بحث خواهیم کرد.

فیچرنویسی برای روزنامه‌نگاران

چی بخوانیم

«ایران»: «انتشارات ثانیه» کتاب «فیچرنویسی برای روزنامه‌نگاران» به قلم شارون ویلر و ترجمه علی اکبر قاضی‌زاده را منتشر کرد. در این کتاب درباره انواع مطالب غیرخبری رسانه‌ها (اعم از سنتی و فضای مجازی) سخن گفته شده و به روزنامه‌نگاران تکنیک‌های لازم برای تهیه و تنظیم آن آموزش داده می‌شود. در مقدمه، درباره چیستی فیچر آمده است: پاسخ کوتاه و سردستی به این پرسش چنین می‌تواند باشد: هر متن غیر خبری! اما وقتی در مضمون روزنامه‌ها و مجله‌ها دقیق می‌شویم در این پاسخ تردیدهایی بروز می‌کند: آیا این اصل جدول کلمات را هم در بر می‌گیرد؟ گفتارهای تلویزیونی چه؟ آیا تابلوی نتایج باشگاه‌های فوتبال هم فیچر است؟ آیا شرح حال یک ورزشکار سنگین وزن و نامدار یا رسوایی‌های فلان خواننده پاپ هم شامل این تعریف می‌شود؟ نکته مهم این است: نگارش فیچر، چه هدفی را دنبال می‌کند؟ هدف فیچر، سفر به سرزمین‌هایی است که هرگز ندیده‌ایم. می‌خواهیم به مخاطب فرصت کشف فضاهایی را بدهیم که جاذبه دارد. می‌خواهیم به گوشه‌های ناشناخته زندگی چهره‌های مشهور سرک بکشیم و ببینیم آنان چگونه برای خودشان کسی شده‌اند. می‌خواهیم با برملا کردن پیامدهای ویرانگر حکم یک دادگاه، احساسات مخاطب را تحریک کنیم. می‌خواهیم رویکردی پیچیده را به یاری قلم یک نویسنده توانا به مخاطب توضیح دهیم. شارون ویلر، نویسنده کتاب از آنجایی که خود هم روزنامه‌نگار است و هم مدرس این رشته، بخوبی توانسته است چالش‌های یک روزنامه‌نگار در ارتباط با فیچرنویسی را کشف و درباره آن راهکار بدهد. مهم‌تر اینکه مترجم کتاب نیز علی اکبر قاضی‌زاده، زبان‌دان، روزنامه‌نگار-مؤلف و مدرس این رشته، با ترجمه‌ای رسا و ساده مبتنی بر تجربه مخاطب، بر ارزش کتاب افزوده است؛ او درباره کتاب و نویسنده‌اش می‌گوید: نویسنده کتاب، جنبه‌های مفید در آموزش فیچرنویسی را در این کتاب گرد آورده است. ویژگی کتاب، نگاه از روی زمین به این مهارت است که با زبانی نرم، انواع زمینه‌های فیچر، بایسته‌های این مهارت و راه‌های رسیدن به نتیجه را توضیح داده است. کتاب در ۲۱۸ صفحه در قطع رقعی، به قیمت ۳۰ هزار تومان وارد بازار شده است.

عکس نوشت

مراسم معرفی برندگان «نمایشگاه مجازی عکس تئاتر» در خانه تئاتر برگزار و آثار کیارش مسیبی، شراره سامعی و تبسم ارگی به‌عنوان آثار برتر برگزیده شد. نمایشگاه «گالری مجازی» در راستای حمایت از اعضای انجمن "عکاسان خانه تئاتر" در برابر شرایط پیش آمده ناشی از شیوع ویروس کرونا به‌صورت مجازی و در صفحه اینستاگرام انجمن عکاسان خانه تئاتر، از تاریخ ۲۷ فروردین ماه برگزار شد.

عکس از شراره سامعی

■ ۵ تیر

به نام تاریخ

امروز نود و هشتمین روز از سال ۹۹ است. روزی که با تولد تعدادی از چهره‌های ادبیات و فرهنگ همزمان است.

■ **تولدها**

هایده صفی یاری: می‌دانستید تدوینگر چیره دست ایرانی یکی از اعضای آکادمی اسکار است؟ هایده صفی یاری که بارها نامزد و برنده جایزه‌های مختلف داخلی و خارجی شده سال ۱۳۳۸ در چنین روزی به دنیا آمد و رشته سینما را در مدرسه عالی تلویزیون و سینما خواند. صداگذاری فیلم «دخترک مرداب» نخستین کار سینمایی او بود و پس از آن تدوین را به‌صورت جدی پیگیری کرد. تدوین فیلم‌های شاخصی مانند آژانس شیشه‌ای، روبان قرمز، جدایی نادر از سیمین، درباره الی، هفت دقیقه تا پاییز و چهارشنبه سوری از آثار او هستند که برای آنها برنده یا نامزد سیمرغ بلورین جشنواره فیلم فجر شده است.

جرج اورول: اورول با نام اصلی اریک آرتور بلر با کتاب‌های قلعه حیوانات و ۱۹۸۴ شناخته می‌شود. نویسنده‌ای انگلیسی که سال ۱۹۰۳ به دنیا آمد و در اواخر دهه ۵۰ میلادی به شهرت رسید. اورول ۷ سال به‌عنوان پلیس سلطنتی هند در برمه خدمت می‌کرد. در همین سال‌ها با فقر آشنا شد و حتی مدتی را بین فقرا و بی‌خانمان‌های فصلی لندن و پاریس گذراند و گاهی هم در یکی از هتل‌ها ظرفشویی می‌کرد. رمان «آس و پاس‌ها در پاریس و لندن» تجربه‌های او در این دوران است. روزهای برمه و انگلیس هم رمان‌های بعدی او بودند که براساس تجربه‌های او در سفرهایش نوشته شدند. قلعه حیوانات را در سال ۱۹۴۳ نوشت اما چون اشاره‌هایی غیرمستقیم به شوروی آن روزها داشت که متحد انگلیس بود تا یک سال چاپ نشد. وقتی کتاب سال ۱۹۴۵ در انگلیس و ۱۹۴۶ در امریکا منتشر شد اورول به شهرت رسید. ۴ سال بعد از چاپ این کتاب، وقت او برای نوشتن رمان ۱۹۸۴ صرف شد، رمانی که آخرین اثرش بود و اورول ۷ ماه پس از انتشار آن به‌دلیل بیماری سل در سال ۱۹۵۰ درگذشت.

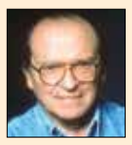

سیدنی لومت: کارگردان سرشناس امریکایی سال ۱۹۲۴ به دنیا آمد. به او لقب کارگردان پرکار داده‌اند چون میانگین ساخته‌های او از سال ۱۹۵۷ بیش از یک فیلم در سال بوده است. ۱۲ مرد خشمگین نخستین کار سینمایی او بود که خیلی‌ها آن را بهترین اثرش هم می‌دانند اما غیر از این فیلم، بعدازظهر سگی، شبکه و حکم آثاری هستند که لومت بیشتر با آنها شناخته می‌شود. او سال ۲۰۰۵ اسکار افتخاری را به‌دلیل کارهای درخشانش دریافت کرد و سال ۲۰۱۱ در ۸۶ سالگی درگذشت.

محمدحسین ملکیان شاعر، فاطمه وکیلی شاعر، رامین یوسفی شاعر، پگاه احمدی شاعر، ساعد احمدی شاعر، محمد مهنانی بازیگر و پیتر بلیک نقاش انگلیسی هم در این روز به دنیا آمده‌اند.

■ **۶ تیر**

از ۲ سال پیش ۶ تیر در تقویم کشور به نام روز فرهنگی کرمانشاه نامگذاری شده است. روزی با نماد گل نیلوفرکه نماد محلی کرمانشاه است. در این روز بیشتر به آداب و رسوم ویژه، صنایع دستی و مفاخر فرهنگی و هنری این شهر پرداخته می‌شود.

■ **تولدها**

عباس مهرپویا: «تو از قبیله لیلی من از قبیله مجنون» تقریباً هر روز این ترانه قدیمی از رادیوهای سراسری پخش می‌شود. مهرپویا خواننده این اثر دوست داشتنی سال ۱۳۰۶ در این روز به دنیا آمد. او از نوجوانی به موسیقی علاقه داشت و ساز عود را یاد گرفت. در کنار نواختن این ساز در نمایش‌های پیش پرده خوانی دهه ۲۰ تهران هم بازی می‌کرد و سال ۱۳۳۱ در فیلم «درد عشق» به‌عنوان بازیگر و آهنگساز همکاری کرد. بعدها گیتار را هم یاد گرفت و پس از آشنایی با گیتاریست معروف آلمانی به نام «اروین موره» نواختن گیتار را با او ادامه داد. مهرپویا به هندوستان هم سفر کرد تا موسیقی این کشور را بیاموزد. ساز سیتار را یاد گرفت و نواهایی از موسیقی هند را در بسیاری از آثارش می‌توان شنید. البته هند تنها مقصد سفر او نبود و می‌شود او را جهانگردی نامید که به آفریقا، چین، ژاپن، جزایر هاوایی، پرتغال و اسپانیا سفر کرد و گزارش‌هایی هم از بومیان آفریقا و سرخ پوستان تهیه کرد. عباس مهرپویا را با ترانه‌های مرگ قو، قایقران، قبیله لیلی، تو بمانی و من و صحرا می‌شناسید. او سال ۱۳۷۱ درگذشت.

فوزیه مجد: آهنگساز و پژوهشگر موسیقی سال ۱۳۱۷ به دنیا آمد. او از ۶ سالگی پیانو آموخت و در اواخر دهه ۲۰ به انگلستان و مدرسه مورتون هال رفت تا موسیقی بخواند. اولین اثرش را هم در سن ۱۵ سالگی در همین مدرسه ساخت که روزنامه لیورپول دیلی پست آن زمان درباره‌اش نوشت: «رویداد موسیقی بسیار مهمی در مدرسه مورتون هال به وقوع پیوست.» پس از تحصیل در دانشگاه ادینبرو به ایران آمد و در هنرستان عالی موسیقی، تاریخ موسیقی غرب را تدریس کرد. مجد همزمان با تدریس به بازبینی موسیقی نواحی ایران پرداخت و سنتور را هم در حضور فرامرز پایور و مجید کیانی آموخت. او از سال ۵۰ بر تحقیق و پژوهش در زمینه موسیقی نواحی و موسیقی ردیف متمرکز شد و با سفر به استان‌های مختلف مجموعه‌ای از موسیقی اقوام را گردآوری کرد. قدیمی‌ترین پژوهش در زمینه موسیقی سوگواری در بوشهر توسط او انجام شده است.

یانوش کاسینسکی فیلمبردار لهستانی، ایزابل آجانی بازیگر فرانسوی، فریدون ولایی نمایشنامه نویس و کارگردان تئاتر، لوییجی پیراندلو نمایشنامه نویس ایتالیایی، سیدنی هاوارد نمایشنامه نویس امریکایی و اشکان اشتیاق بازیگر هم متولد امروز هستند.

■ **درگذشت‌ها**

علی کسمایی: پدر دوبله ایران سال ۱۳۹۱ در چنین روزی درگذشت. او متولد سال ۱۲۹۴ بود و در رشته حقوق فارغ‌التحصیل شده بود و وکالت می‌کرد اما به سینما هم بسیار علاقه داشت و با نوشتن فیلمنامه فیلم شرمسار به‌صورت حرفه‌ای کارش را آغاز کرد. او از سال ۱۳۳۴ وارد کار دوبله شد و به بسیاری از دوبلورهای جوان آموزش داد. کسمایی استاد بسیاری از دوبلورهای شناخته شده ایران بود و توانایی بسیاری در هماهنگ کردن دیالوگ‌های فیلم به زبان فارسی با حرکات لب بازیگران داشت. بسیاری از همکارانش او را «عمو دوبلور» صدا می‌کردند. هزاردستان، کمیته مجازات، شازده احتجاب، این خانه دور است، پرواز در شب، دکتر ژیواگو و آوای موسیقی از مشهورترین آثاری هستند که کسمایی مدیر دوبلاژ آنها بود.